

زندگی دشوار زنان افغان و (روز جهانی زن) !

اینک ما از هشتم مارچ روز جهانی زن تجلیل میکنیم. سوال که در برابر ما قرار میگیرد ، بزرگداشت از روز جهانی زن برای ما (زن افغان) در واقعیت به کدام مفهوم مطرح است ؟ آیا درک ما از موقف زن در جامعه سنتی افغانستان در قید یک ارزش کالایی است و یا زن به عنوان مادر، به عنوان تکمیل کننده مرد و به عنوان یک بخش مهم از جامعه ی که ما در آن زیست میکنیم، میباشد؟

باید به زن از دید نقش و رسالت او برای اعتلای جامعه و مبارزه برای تحقق و تولد یک ساختار انسانی بر مبنای احترام گذاشتن به مقام انسان با قبول و رعایت کلیه ضوابط که نیاز بدان است دیده شود. با توجه به این مسایل تجلیل از روز زن باید یک هدف باشد نه نمایش. همچنان این هدف باید بر پایه واقعیت های موجود در جامعه مطرح باشد، نه تصویر گیری و تقلید از جوامع دیگر که از هر دیدگاه با موقعیت زن و مفهوم آن در مغایرت قرار داشته باشد. جای تأسف است که پیوسته از نام و مقام زن افغان ، سوء استفاده شده و در ماهیت کوچکترین ارزش را به آنها قایل نیستند. مثال روشن ، رژیم جهادی - طالبی کابل و حامیان غربی شان میباشد . در چند سالی که از عمر حکومت دست نشانده آمریکایی ها در کابل میگذرد و هدف اساسی اشغال افغانستان در تبلیغات آمریکایی ها رهانیدن زن افغان از قید ستم مرد سالاری تشکیل میداد، چه دست آوردی برای زن افغان داشت ؟ بودن چند زن معدود و وابسته به تنظیم های جهادی در پارلمان که خود مربوط به ساختار های قبیله ی می باشند، کدام درد زن را تسکین بخشید؟ هر گاه با کنار گذاشتن تبلیغات رژیم موجود، زندگی واقعی زنان وطن خود را مورد توجه قرار بدهیم جز یک تصویر وحشتناک چیزی دیگری را نمیتوان دید. چنانچه تبعیض علیه زنان در محیط خانواده و اجتماع به شدت ادامه یافته و آنان در عرصه کار تحصیل ، و خدمات صحی با مشکلات جدی مواجه بوده

روحاً تحت برتری گرایي مرد قرار دارند و هم تعداد زياد آنها بنا بر عوامل مختلف از جامعه و فاميل طرد شده ، و براي ادامه زندگي خود دست به اعمال نا جايز ميزنند. تعداد از زنان که با اطفال شان در زندان ها زنداني هستند، مورد اذيت جنسي پاسبانان قرار مي گيرند. قتل زن در برابر چشمان مردم، زنده به گور کردن و سنگسار آن ، مبادله زن با سگ ، کشاندن و اشتغال دختران جوان در بازار هاي تجارت سگس و مواد مخدر در داخل و خارج کشور جز زندگي زنان در شرايط موجود مي باشد. حاکميت نيرو هاي ارتجاعي و جنگ سالار اثرات ناگوار را بالای خانواده ها گذاشته، زنان و دختران وطن ما بيش از ديگران تحت فشار گرفته اند. دختران از سويي خانواده هاي شان تهديد شده و حق تعيين سرنوشت آينده شان را ندارند . مادر خانواده که خود متکي به اقتصاد شوهر است در برابر مشکلات خود و اطفال خود خاموش بوده و هر آنچه مرد خانواده تصميم بگيرد، بايد بدون قيد و شرط پذيرفته شود. تعداد از زنان و دختران جوان براي رهايي از اين دشواري ها ناگزير به طلاق متوسل شده، و يا هم دست به خود کشي و آتش سوزي مي زنند. اگر زني عليه تبعيض حقوقي و جنسي زنان هموطن اش صدای اعتراض خود را بلند کند ، با دسيسه هاي شوم و سرزنش هواداران حاکميت مرد سالاري جهادي ، مواجه گرديده و حتي باعث قتل آن ميشوند که بر شماری اين نمونه ها وضع رقت بار زندگي زنان را در شرايط موجود نشان ميدهد. قابل ياد آوري است آنچه که در اين ميانه به عنوان يک اصل مفقود است ، حضور زنان متعهد که بار اصلي مسؤوليت را در برابر نسل امروز و فردا دارند مي باشد. گر چه از نظر واحد هاي ساختاري تعداد زنان روشنفکر و متعهد بسيار محدود بوده و منسجم نيستند . اما همين کميت کوچک ميتواند و بايد بتواند ، تکميل کننده ساختار هاي واقعي حرکت هاي نو به پا خاسته جنبش روشنفکري چپ نوين افغانستان براي ايجاد هسته هاي ابتدائي نجات زن افغان در حال و آينده باشد.

تجربه نشان داده است که هنوز شرايط از نظر ذهني و رواني براي زنان افغانستان در سطح نيست که بتوانند به تنهائي درفش آزاديخواهي خود را براي بيرون جستن از قيد ها بلند کنند. راه آغاز مبارزه براي نجات زنان از جاده ي ميگذرد که شعار ساختن آنرا جريانات چپ واقعي بلند کرده اند .

با توجه به انتشارات سایت انترنتی «نهیضت آینده افغانستان» قرار است کنفرانس سراسری این سازمان تا چند ماه دیگر بر گذار گردد. ما زنان منتظریم و می بینیم که سازمان نهیضت آینده افغانستان آیا قادر خواهد شد به مسایل موجود زنان کشور پرداخته و خطوط حرکت را برای زنان که وطن شان را دوست دارند نشانی کند ؟

www.ayenda.org